

پیش‌تر به‌طور کامل در اختیار ایران بود، در نتیجه شمار بالایی از اقوام و ملل برای ارتباط تجاری با یکدیگر به‌گذر از خاک ایران نیازمند بودند. این‌گذر پرتکرار موجب به‌وجود آمدن ساختارهایی مانند «راه ابریشم» شد و ایران را به مرکز یکی از مهم‌ترین راه‌های ترانزیت جهانی تبدیل کرد. با تقویت کشتیرانی و ظهور راه‌های دریایی، با محوریت قدرت‌های اروپایی و شروع عصر اقیانوس‌پیمایی، این امتیاز استراتژیک از کشوری چون ایران گرفته شد و رفته‌رفته نقش ترانزیتی کشورهای حوزه‌راه ابریشم از جمله ایران رو به افول گذاشت؛ با این حال حتی در چنین وضعیتی و با وجود غفلت از جانب حاکمان، موقعیت ترانزیتی ایران از دید سایر کشورها، از جمله استعمارگران مخفی نبود و در بزرگ‌ها از آن بهره‌برداری می‌شد. لجستیک و ترانزیت نفت متفقین در جنگ جهانی دوم از خاک ایران نمونه‌ای از توجه قدرت‌های بزرگ جهانی به موقعیت ویژه ترانزیتی ایران به‌رغم ضعف و زوال حاکمیت ملی در کشورمان بوده است.

پس از جنگ جهانی دوم معادلات جهانی پیچیده‌تر شد و ترانزیت از خاک ایران نسبت به گذشته بیشتر افول کرد. شوروی از شمال، ایران را احاطه کرده بود و در غرب کشور نیز جنگ‌های فرساینده بر سر قدرت در عراق جریان داشت. شرق ایران نیز بستر درگیری‌هایی از قبیل حمله شوروی به افغانستان و آشوب‌های استقلال‌طلبانه پاکستان از هند بود. وجود این موانع باعث شد تا ایران، که قلمرو باستانی خود را از دست داده بود، در حصار از جنگ و رقابت‌های بین‌المللی گرفتار شود و فرصت چندانی برای فعال‌سازی دوباره راه‌های ترانزیتی خود نداشته باشد.

اما وضعیت با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تا حدود بسیاری تغییر کرد. در شمال ایران کشورهای جدیدی به‌وجود آمدند که به دلیل دسترسی نداشتن به آب‌های آزاد، محصور در خشکی یا به اصطلاح «لاکلند» (lock land) خوانده می‌شوند. قزاقستان، ازبکستان، ترکمنستان، قرقیزستان، تاجیکستان، جمهوری آذربایجان و ارمنستان در زمره این کشورها هستند که جملگی در اتحادیه اقتصادی اوراسیا (EAEU)، گرد آمده‌اند و برای توسعه اقتصاد خود نیازمند اتصال به آب‌های آزادند و یکی از بهترین پهنه‌هایی که می‌تواند این امکان را برای آنان فراهم کند، ایران است. همچنین با شروع قرن ۲۱، چین به‌عنوان یک قدرت اقتصادی و تولیدی نوظهور، در پهنه شرقی ایران سر برآورده است که در کنار اتحادیه اروپا در غرب، دو قطب بزرگ در اقتصاد جهانی‌اند که مبادلات اقتصادی فزاینده و رو به گسترشی را هدایت می‌کنند و می‌توان گفت که دو چشمه جوشان انتقال کالا به سراسر جهان را تشکیل داده‌اند، که پهنه سرزمینی ایران در میانه آنان قرار دارد. این وضعیت نیز فرصتی برای ایران به منظور برقرار کردن کریدور «شرق به غرب» فراهم کرده است؛ فرصتی که به‌خصوص با بالاگرفتن رقابت میان چین و آمریکا و تلاش چین برای خلاصی کریدورهای ترانزیتی خود از سیطره دریایی آمریکا اهمیت می‌یابد و چندان یافته است. طرح‌هایی مانند ابتکار «یک کمربند - یک جاده» که چین آن را با هدف گشودن کریدورهای ترانزیتی مستقل زمینی و دریایی دنبال می‌کند. البته جملگی این فرصت‌ها در بستری از تخاصمات سیاسی و ژئوپولیتیکی دنبال می‌شود. به‌طور مشخص، ایالات متحده آمریکا، در تلاشی آشکار که با پیمانکاری برخی رژیم‌های متحد خود در منطقه دنبال می‌کند، می‌کوشد از عبور کریدورهای ترانزیتی استراتژیک از خاک ایران جلوگیری کند. جمهوری اسلامی باید زمان باقی مانده را قدر بداند و مانع از دست رفتن فرصت موجود شود؛ فرصتی که می‌تواند ایران را به قلب یکی از بزرگ‌ترین کریدورهای جریان کالا در جهان تبدیل کند و اقتصاد کشور را از چنبره درآمدهای نفتی و بلایای ناشی از آن رها